

تلاوت قرآن کریم و اختلاف قرائت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۳۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۸/۱۲

سیدمحمد هاشمی مطهر*

۲۹

قرآن پژوهی

سال اول / شماره ۱ / پیاپی ۱۴۰۰

چکیده

از هنرهای تأثیرگذار اسلامی، قرائت قرآن کریم به روش مطلوب هنری و علمی مخصوص به خود است که عمومی و فراگیر بوده، برای همه ملل جذابیت دارد و انسان را به تفکر وادار می‌نماید. تلاوت قرآن کریم گرچه خود، علمی بسیار وسیع و پیچیده است، جنبه هنر گونه آن نمایشی تابناک دارد که برای قوام تلاوت آن ساختارهای گوناگونی دست به دست هم داده، معماری تلاوت آن را کامل می‌نمایند. یکی از شاخصه‌های تلاوت اکمل که در زنجیره علوم قرائت وجود دارد، علم اختلاف قرائت است که قاریان ممتاز قرآن کریم با پرداختن به قرائت قراء سبعة یا قراء عشرة هنر خود را در حد اعلی به کمال می‌رسانند. در پژوهش حاضر سعی گردیده است پاسخی به تأثیر این اختلاف در ایجاد وحدت ملل مسلمان داده شود. در این پژوهش با توجه به روش مقایسه‌ای و تحلیلی دلایل این اختلافات بررسی می‌شود و هدف از آن تأثیر قرائت‌های مختلف قرآن بر مخاطبان و وحدت ملل است.

واژگان کلیدی: هنر، قرائت قرآن کریم، اختلاف قرائت، نفوذ معنوی، وحدت.

* دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد تهران مرکزی (smhashemim1@gmail.com).

تفکر اسلامی در ابعاد مختلف با محوریت تعبد الهی^۱ به طور قطع و یقین به صورت‌های گوناگون بازخورد داشته، آثار آن در تمدن ملل اسلامی به صورت عینی جلوه‌گر می‌شود و این خود حاصل تغییرات بسیاری است که عینیت آن بر کسی پوشیده نمی‌ماند. دعوت حکیمانه کتاب الهی به تفکر^۲ و تدبیر^۳ امری دائمی برای اهل ایمان است و اثر مؤثر آن در خود انسان و جامعه انسانی، رابطه مستقیم با نوع بینش، یقین و تعمق‌بخشیدن به تفکر آیات الهی و هستی دارد. این اندیشه‌سازی یقیناً جزء لاینفک ایمان است و ایمان همراه همیشگی به نام عمل صالح^۴ دارد. برای اینکه این سیر محدود نباشد و هر گروه فکری و پی‌جوی حق با نظر به توان و علاقه و نیاز موجود به مطلوب خود برسد، قادر متعال با حکمت خود تمام هستی را به عنوان نشانه‌های تفکر ساز قرار داده است. اما در مکتب قرآن کریم همه انسان‌ها به یک ظرفیت و توان نگریسته نشده‌اند؛ بنابراین برای گروه‌های خاص نشانه‌های معجزاتر برای تفکر و اندیشه سرمشق شده است. خطاب قرآن کریم به افراد با عناوینی همچون «عالمین»، «یتفکرون»، «یسمعون» و «یعقلون» بیانگر این است که فهم محتوایی آیاتی که در انتهای آن مخاطب خاص را گوشزد نموده، از عهده کسانی برآید که مستقیم به آنها اشاره شده است و باید از این نشانه‌ها به عنوان الگوهای بی‌بدیل استفاده کنند و راه‌های سعادت بشری را در آنها بیابند (روم: ۲۰ - ۲۴).

در تاریخ اسلام هر دوره و هر مکانی که تمسک به نشانه‌های بارز یا کلی یا نشانه‌های اندیشه‌ساز خواص امری جدی تلقی شد، حوزه‌های تمدنی بسیار تأثیرگذاری محصول این نگرش و جدیت شده است. اگر به علم توجه شد، علوم گوناگون رشد کرد. اگر به توسعه، تعلیم، جهاد و دفاع و تجهیز در مقابل دشمن و... توجه شد، قطعاً در آن زمینه‌ها، صاحب رأی و نظر در تولید و تکثیر و نگهداری آن مقولات گشتند. این امر جریان سیال و همیشگی است که رکورد ندارد و با سیر زمان در حرکت است.

۱. عبودیت از صفات انبیای الهی است.

الف) قال ائی عبدالله (مریم: ۳۰).

ب) کذبت قبلهم قوم نوح و کذبوا عبدنا و قالوا مجنون و آزدجر (قمر: ۹).

۲. ... و یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک ... (آل عمران: ۱۹۱).

۳. افلا یتدبرون القرآن ... (محمد: ۲۴).

۴. الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات فلهم اجر غیر ممنون (تین: ۶).

هنر تولید و خلاقیت مسلمانان در عرصه تمدن اسلامی در زمینه‌های مختلف دارای پیشینه قوی و مستحکمی است که اسنادی غیر قابل‌خداشه دارد.^۱ مسلمانان در طول تاریخ همواره در زمینه‌های متفاوت علاوه بر توجه جدی به علوم مختلف به هنر هم توجه کافی نموده‌اند و در بسیاری از زمینه‌ها علم و هنر را با هم تلفیق و آثار فاخری تولید کرده‌اند.

مسلمانان در هنرهای ادبی همانند نظم و نثر و داستان، هنرهای موسیقی همانند تلاوت قرآن کریم و...، هنرهای نمایشی همانند تعزیه و...، هنرهای کاربردی همانند معماری و صنایع دستی و طراحی سنتی و کاشی‌کاری و...، هنرهای زیبا همانند نقاشی و مینیاتور و... دارای آثار فاخر و باشکوه در دوره‌های تمدنی مختلف هستند. نیم‌نگاهی گذرا به آثار هنری کشورهای اسلامی مؤید تلاش و کارکرد مناسب مسلمانان در زمینه‌های هنر تأثیرگذار و دارای ارزش با ریشه است. برخی از این هنرها استمرار دائمی و مخاطبان خاص و عام بیشتری دارند.

یکی از هنرهای تأثیرگذار که فراگیر بوده، برای همه جذابیت داشته است و انسان را به تفکر وادار می‌نماید، هنر تلاوت قرآن کریم است. گرچه خود، علمی بسیار وسیع و پیچیده است، جنبه هنرگونه آن نمایشی تابناک دارد.

این هنر سابقه‌ای بسیار طولانی از صدر اسلام تا کنون دارد که برگرفته از دستور اسلام برای تلاوت کلام الهی است. بخش مهمی که جنبه هنرگونه تلاوت را برجسته‌تر می‌کند، صوت و لحن قاری بر پایه تجوید، وقف و ابتدای قرائت است که بر قلوب حک گردیده، احساس را بر می‌انگیزد؛ ولی عنوان دیگری در قرائت با موضوع اختلاف قرائت وجود دارد که خود پایه علمی دارد و مسئله-ای بنیادی است و توجه به آن لازم و سودمند است.

پیشینه تحقیق

درباره اختلاف قرائت و قراء سبعة از سوی بسیاری از فقهای دینی و افراد آگاه مطالبی نوشته شده است که هر کدام هدف خاصی را دنبال نموده‌اند. علامه حلی در کتاب تذکرة الفقها قرائت‌های هفت‌گانه را متواتر دانسته و قرائت هر یک از آنها را در نماز جایز می‌داند. شهید اول نیز

۱. برای مطالعه بیشتر به کتاب‌های تاریخ و تمدن اسلام از جمله فرهنگ و تمدن اسلام و ایران اثر دکتر ولایتی مراجعه کنید.

در کتاب *ذکری الشیعه فی احکام الشریعه* (۱۴۱۹ق) قرائت‌های ده‌گانه را متواتر می‌داند و از این رو گفته است می‌توان به هر یک از آنها در نماز عمل کرد. محمد هادی معرفت در کتاب *التمهید فی علوم القرآن* (۱۳۶۴) بستر ایجاد قرائات مختلف را علل روانی قاریان صدر اسلام و مشهور کردن خود با ابتکار در قرائت می‌داند و برای آن تواتر قایل نیست. ابراهیم پورفرزب در کتاب *تهذیب القراء در شرح قرائات سبعة* (۱۳۶۸)، علل اصلی اختلاف قرائت را نداشتن نقطه و حرکت و علائم می‌داند و بدین دلیل روایت صحابه به طرق مختلف صورت گرفته است و این اختلافات به وسیله قراء نقل شده و امتداد یافته است. او در ادامه می‌گوید اهل جماعت همین هفت قرائت قراء سبعة و برخی نیز قرائت قراء عشره را جز متواترات شمرده، از آن پیروی می‌کنند، گرچه تواتر آن خالی از اشکال نیست. زهرا شبیری در رواق اندیشه (۱۳۸۳) درباره اختلاف قرائات و عدم تحریف قرآن، منشأ پیدایش و شرایط حاکم بر آن، زمان و تواتر در آنها صحبت کرده است. او از قول آیت‌الله خوئی در کتاب *البیان* آورده است که تواتر در قرائت به نقل از تعدادی از علمای اهل سنت به خود پیامبر ﷺ باز می‌گردد و برخی دیگر این عقیده را مشهور و معروف می‌دانند و برخی متواتر ندانستن آنها را مساوی با کفر ورزیدن دانسته‌اند. اما برخی از جمله علمای شیعه عدم تواتر آن را بیان داشته‌اند و آن را نوعی اجتهاد از سوی قاریان عنوان کرده‌اند و تعدادی هم به صورت خبر واحد که به پیامبر ﷺ می‌رسد، بیان می‌کنند. آیت‌الله خوئی در تفسیر *البیان* تواتر در قرائت‌ها را لازم می‌داند. روزنامه کیهان (۱۳۹۶) نیز درباره اختلاف قرائت و تحریف قرآن مطالبی نگاشته است. امیر محمد زاهدی در نوشتاری در سایت ایگنا (۱۳۹۷) به بررسی دیدگاه تاریخی علمای شیعه در خصوص قرائت سبعة می‌پردازد و با نظر به آرای فقهای شیعه ثابت می‌کند که پرداختن به قرائت سبعة در فقه شیعه جایز و بلکه جهت اشراف بر بیان قرآن لازم است.

با توجه به پیشینه‌های مختلف در این زمینه، نویسندگان معتقد است قرائات مختلف قرآن ربطی به متن اصلی قرآن که بر قلب پیامبر ﷺ نازل شده است، ندارند و آنها دو امر متغایرنند و اختلاف قرائات مربوط به استنباط و اختیارات قراء هستند و دارای تواتر نیستند. در این تحقیق ضمن بررسی اجمالی پیدایش اختلاف قرائت به جنبه اتحاد بین مسلمانان، جذب و دلنشینی تلاوت و نیز پیدایش تفاسیر متعدد بر مبنای اختلاف قرائت و نقطه ارتباط بین مسلمانان تکیه شده است.

تلاوت قرآن کریم

قرآن کریم معجزه جاوید الهی و جامع‌ترین کتاب آسمانی است که بر پیامبر عظیم‌الشان اسلام حضرت محمد ﷺ نازل گشته است؛ کتابی که متضمن سعادت دنیوی و اخروی مردم و هدایتی است برای انسان‌ها از تاریکی به سوی نور که معارف بیکرانش ما را به سوی کمال می‌برد. امام علیؑ درباره قرآن کریم می‌فرمایند: «و کتاب الله بین اظهر کم ناطق لا تعیی لسانه و بیت لا تهدم ارکانه و عزلا تهزم اعوانه» (نهج البلاغه، ۱۳۷۳، ص ۱۳۱).^۱ برای رجوع و مأنوس شدن با این عطیه الهی و استفاده از آیات نورانی و فراگیری مفاهیم کلام خداوند و بهره‌وری و تدبّر در آن و سرانجام به‌کار بستن فرامین خداوند سه روش قرائت، ترجمه و تفسیر قرآن کریم فراگیرتر از سایر روش‌هاست که هر کدام دارای ابوابی بسیار متنوع، گسترده و فنی‌اند که علوم مخصوص به خود را دارا هستند. ترجمه و فهم آیات الهی، به طریقی که بر ما روان گشته و ملکه قلبی گردد، تفسیر و پرده برداشتن از باطن آیات و نیز آیات را در کل مجموعه قرآن کریم درک کردن، به حسب ایمان و توان علمی و قدر و منزلت خود، بسیار مهم و کاراست و البته دو موضوع بسیار مهم اخیر در این مختصر نمی‌گنجد. اما قرائت قرآن کریم که می‌توان گفت مخاطبان آن وسیع‌تر و فراگیرتر و به‌نوعی اولین و دائمی‌تر برای انسان‌هاست، خود دریایی است که قرائت آن را خود قرآن کریم سفارش کرده است، «فاقرؤوا ما تیسر من القرآن» (مّزل: ۲۰) و باید دانست که جای تأمل بسیار دارد که قرائت قرآن کریم را به‌نوعی مشخص سفارش کرده است. در آیات ابتدایی سوره مّزل که بنا به گفته مفسران (سیوطی، [بی‌تا]، ص ۱۰) سومین سوره‌ای است که آیات آن در دوره تدریجی نزول وحی بر پیامبر اکرم ﷺ نازل گشته است، آیه «ورتل القرآن ترتیلا» (مّزل: ۴)^۲ بسیار چشم‌نواز است. خداوند کریم می‌فرماید: «و ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی» (نجم: ۳-۴).

یعنی پیامبر در آنچه از قرآن تلاوت می‌کند، سخنانی ناشی از هوای نفس نیست و به رأی خود چیزی نمی‌گوید؛ بلکه هرچه در این باب می‌گوید، وحی از جانب خداوند متعال است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۷). اینکه در سال اول بعثت نبوی و از اولین آیات الهی خطاب به رسول مکرّم اسلام ﷺ این تأکید باشد که قرآن را با ترتیل بخوانند، خود بر اهمیت موضوع قرائت

۱. کتاب خدا در دسترس شماست، زبان آن کند نیست، گویاست، خانه‌ای است که پایه‌هایش ویران نشود و صاحب عزتی است که یارانش را هزیمت نبود. پس آنچه را از قرآن میسر می‌شود، قرائت کنید.
۲. و قرآن را به تأنی و ترتیل بخوان.

قرآن می‌افزاید. این امر چه اهمیتی دارد که خداوند حکیم در ابتدا به رسولش فرمان آن را می‌دهد؟ گرچه بتوان دربارۀ ظاهر آیه کمی صحبت نمود، قدر مسلم به باطن و بطن‌های این فرمان سخت می‌توان راه یافت و آن را درک نمود.

آیا تلاوت مستمر با ترتیل برای مأنوس شدن با قرآن کریم است یا اینکه قرآن از یاد نرود و آیاتش از ذهن دور نگردد یا برای اهل قرآن شدن است و بسیاری از نکات دیگر... همه اینها را نمی‌توان برای مؤمنان نادیده گرفت؛ ولی دربارۀ شخص رسول اکرم ﷺ و ائمه هدی ﷺ بسیار کمرنگ جلوه می‌کند.^۱ اما به طور مشخص می‌توان گفت در این فرمان حکمتی نهفته است که باز از شگفتی‌های قرآن کریم و از اسرار حکیمانه الهی است.

اثر تلاوت کلام الهی در انسان موضوعی است که امر خداوند را در بر دارد و اینکه خود تلاوت قرآن حتی بدون تدبیر و در نظر گرفتن معنا، همین که از روی خلوص و ایمان قلبی باشد، خالی از فضیلت نیست؛ اما اینکه چه اندازه دارای فضیلت و ثواب و تأثیر است، قطعاً با تلاوتی که همراه با تدبیر و عمل باشد؛ مساوی نیست؛ ولی بنا به فضل الهی تأثیر همین اندازه کلام الهی بر انسان با انسانی که آن را نشنیده است، متفاوت است. نوعی هدایت در این مقول نهفته است و این معجزه الهی حتی با خواندن و گوش دادن اثربخش و هدایت‌گر است و با استدلال به اینکه عمل به هر آیه از قرآن کریم به اندازه توان، عمل به دستوری الهی است، عمل به تلاوت قرآن کریم بر حسب این آیه که به هر اندازه که میسر است از قرآن بخوانید، خود عمل به دستور الهی و قرآن کریم است. در اینجا فتوایی از بزرگ‌ترین فقیه و دانشمند علوم قرآنی معاصر می‌تواند بسیاری از راه‌ها را روشن و شبهات احتمالی را برطرف نماید:

فرزندم با قرآن این کتاب معرفت آشنا شو، اگرچه به قرائت آن و راهی از آن به سوی محبوب باز کن و تصور نکن که قرائت بدون معرفت اثر ندارد که این وسوسه شیطان است. آخر، این کتاب از طرف محبوب است، اگرچه عاشق و محب، مفاد آن را نداند و با این انگیزه، حب محبوب که کمال مطلوب است به سراغت آید و شاید دستت گیرد. ما اگر تمام لحظات عمر به شکرانه اینکه قرآن کتاب ماست به سجده رویم، از عهده بر نیامده‌ایم (امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۸۳).

۱. بدون شک این فرمان الهی به پیامبر اکرم ﷺ سر مشق عملی برای اهل ایمان بوده و تمام موارد ذکر شده برای ما کارا و اثرگذار است، به علاوه حکمت کریمانه الهی که در حد فهم ما نیست.

سخن دیگر اینکه عنایت به ظاهر و باطن قرآن کریم به تمامی مورد نظر است. در این باب تذکری از حکیم ابوعلی سینا که نقل به مضمون است، خالی از لطف نیست. او می‌گوید: حقیقت احکام بطن آیات است. برای رسیدن به بطن باید از ظاهر گذشت. احکام ظاهر و باطن دارد و همه باید از آن بگذرند. پیامبر ﷺ که همه چیز را می‌داند، از ظاهر می‌گذرد.

تلاوت ترتیل و موسیقی قرآن

رفتار پیامبر اکرم ﷺ و ائمه هدی ﷺ در عمل به قرائت و زیبا تلاوت نمودن قرآن و آهنگین خواندن آن خود حجتی کامل بر اجرای آیه چهار سوره مبارکه مزمل در باب تلاوت قرآن کریم است. اما اینکه ترتیل چیست، باید دانست در قرآن کریم کلمات «اقرأ»، «تیسر»، «نظر» و... وجود دارد، ولی در امر الهی کلمه ترتیل مؤکد است. امام علی ﷺ می‌فرماید: «الترتیل معرفة الوقوف و تجويد الحروف» (ابن الجزری، [بی تا]، ص ۱۶) و نقل دیگری است از امام علی ﷺ که می‌فرماید: «الترتیل حفظ الوقوف و بیان الحروف» (پورفرزب، ۱۳۶۸، ص ۱۶). ترتیل نوعی قرائت خاص است که از حالت خواندن و مطالعه معمول خارج می‌گردد و آیات، نوعی آهنگ به خود می‌گیرند و تجوید و وقف و ابتدا حالتی خاص به قرائت می‌دهند و امروزه ترتیل به جمع قرائت قرآنی گفته می‌شود که صدا توأم با آهنگ خاص قرآنی می‌باشد.^۱

با گذشت زمان موسیقی آن سیر تکاملی به خود گرفته و منحصر به تلاوت قرآن گشته است. خود آیات الهی دارای اعجاز و قابلیت‌های است که می‌توان این انطباق را بین موسیقی قرآن و کلمات و آیات ایجاد نمود و مؤثر بودن این نوع تلاوت را درک نمود.

اعجاز نهفته در اصوات و آوای قرآن باعث پدیدار شدن تأثیرات پیچیده و شگفت‌آور موسیقی و صوت حاصله از تلاوت می‌گردد. این محصول از موسیقی دلنشین کلام خداوند حاصل می‌گردد. تأثیراتی که از ساختار شکل می‌گیرند؛ چون هنوز در مرحله محتوا وارد نشده‌ایم و معانی و محتوای ارزشمند کلام الهی در مرحله بعد از استماع کلام الهی است.

۱. سید محسن موسوی بلده در حلیة القرآن ترتیل را به سه بخش قرائت تحقیق، قرائت تدویر و قرائت تحذیر تقسیم می‌کند که همگی دارای آهنگ و نوایی خاص با سرعت و دور مخصوص به خود هستند؛ دارای الحانی متفاوت‌اند و می‌توان آنها را در دستگاه‌های موسیقی قرآنی تلاوت نمود.

یک نوع موسیقی درونی در کلام قرآن وجود دارد که احساس شدنی است؛ اما تن به تشریح نمی‌دهد. این موسیقی در تار و پود الفاظ و در ترکیب درون جمله‌ها نهفته است و فقط با احساس ناپیدا و با قدرت متعال ادراک می‌شود (حسنی جعفری، ۱۳۹۰، ص ۱۹۸).

قرائت قرآن یک فن یا به بیانی جامع‌تر یک هنر است. در واقع فراگیری فنون موسیقی آوازی، پیشوازی است برای فراگیری تلاوت رنگارنگ قرآن. از یک نظر قرآن لحنی موسیقایی است و از نظری دیگر الحان موسیقی در ذات آیات قرآنی و حتی واژگان آن نهفته است که خود به خود ما را وادار می‌کند آن را آهنگین و با وزن بخوانیم (همان، ص ۲۰۰). این روش و سنت همه اهل ایمان است که قرآن را خاص تلاوت نمایند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند: پیامبر صلی الله علیه و آله در قرائت قرآن خوش صدا بود و نیز امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: پیامبر صلی الله علیه و آله زیباترین صدا را در تلاوت قرآن داشت (طباطبایی، ۱۳۸۷، ص ۳۱۱)؛ همچنین از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمودند: خداوند به چیزی گوش نمی‌دهد بهتر از آن گونه که به قرائت پیامبر صلی الله علیه و آله گوش می‌دهد که با صدای بلند قرآن را به صورت آهنگین قرائت می‌کند (مسلم بن حجاج، [بی تا]، ص ۷۹۲). حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام قرآن که می‌خواند، هیچ صدایی و هیچ قاری قرآنی یارای مقابله با آن را نداشت (دستی، ۱۳۷۹، ص ۳۹). نیز احادیثی مؤید این نکته‌اند که پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام قرآن را خوش و باآهنگ تلاوت می‌نموده‌اند (کلینی، ۱۳۸۸، ص ۴۲۰).

با فهم و نگرش در کلام الهی در باب تلاوت قرآن کریم، رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و همچنین ائمه معصوم علیهم السلام و کیفیت قرائت قرآن آن بزرگواران که قرآن را با زیبایی آهنگ تلاوت می‌کردند، می‌توان گفت شرط ترتیل قرآن لحاظ کردن آهنگ زیبا، تأمل و فهم و رعایت فنون تلاوت در آیات الهی به هنگام قرائت می‌باشد. دانشمندان اعتراف می‌کنند که بهره‌گیری از ابزار هنر موسیقی در قرائت قرآن و اذان موجب تأثیر بیشتر در دل‌های شنوندگان و عامل جذب آنان می‌گردد (فیض کاشانی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰).

اعجاز قرآن کریم در باب فصاحت و بلاغت

معجزات پیامبران الهی بی‌شک با اذن خداوند خارق‌العاده‌اند؛ یعنی بر خلاف عادات، «أحی الموتی»، هستند و دیگر اینکه مدعی آن را اثبات می‌کند، «انبئکم بما تأکلون و...» و همچنین

خلق از آوردن آن عاجزند.^۱ معجزات همه پیامبران الهی در دوره زندگی شان از بهترین نوع معجزه بوده و احاطه کامل بر دانش صنعت و اصول روز مردمان آن عصر داشته است و هر پیامبری متفاوت با دیگری معجزه‌ای را از خداوند گرفته‌اند. دوره حضور پیامبر در زمان خاص و شخصیت و امتیاز هر پیامبری در تعیین نوع معجزه مؤثر بوده است. زمانی که رواج سحر و جادوست، معجزه حضرت موسی علیه السلام عصا و ید بیضاست.^۲ دوره‌ای که رواج طب است، معجزه حضرت عیسی علیه السلام در درمان امراض غیر قابل علاج و احیای مردگان است (آل عمران: ۴۹) و در دوره‌ای که ادبیات و فنون آن، شعر و فصاحت کلام به اوج رسیده است، معجزه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله قرآن کریم است.

همه معجزات پیامبران با رفتن خودشان رفته‌اند؛ چون ملازمه معجزه با پیامبر صلی الله علیه و آله برای اثبات اعجاز انکارناپذیر است. حتی اعجازهای دیگر رسول اکرم صلی الله علیه و آله به جز قرآن کریم نیز از این قاعده مستثنا نیستند. تنها معجزه‌ای که جاودانه و جهانی است و چون گویاست نیاز به معرفی ندارد، قرآن کریم است. قرآن کریم به تنهایی معجزه‌ای کلی است که معجزات دیگر را در بر دارد و از زوایای گوناگون معجزه است (برای اطلاع بیشتر درباره اعجاز قرآن، ر.ک: طباطبایی، ۱۳۷۴ق، ج ۱، ص ۱۱۱ - ۱۶۰).

خداوند سبحان وجودی بی‌نهایت است که طبعاً نمی‌تواند کلام محدود داشته باشد و قرآن هم محدود نیست، بلکه در بین رموز و اسراری نمادین و سمبلیک، به همین شکل بر بشر نازل گشته است؛ برای اینکه همه آحاد بشر تا حیات وجود دارد، بتوانند به فراخور ایمان و علم و توان خود از آن بهره ببرند. مفسران و دانشمندان علوم اسلامی درباره اعجاز کلام الهی بسیار گفته و استدلال کرده‌اند و هر کدام از اعجازهای الهی در این کتاب مقدس را با شاخه‌های بسیاری حدس زده‌اند. هیچ کس مدعی این نیست که همه اعجاز قرآن را حدس زده باشد و بررسی کرده باشد؛ چون هم قرآن بی‌نهایت است و هم بسیاری از رموز و شگفتی‌های قرآن کریم بر ما پوشیده است (حروف مقطعه). منتهی دانشمندان در تلاش مستمرند تا در هر دوره و زمانی نکته‌ای نو از آن را دریابند. از جمله دانشمندانی که در این مسیر گام برداشته و معجزات قرآن را

۱. و رسولاً الی بنی اسرائیل انی قد جنتکم بایة من ربکم انی اخلق لکم من الطین کهیئة الطیر فانفخ فیه فیکون طیراً باذن الله و ابری الاکمه و الابرص و احی الموتی باذن الله و انبئکم بما تأکلون و ما تدخرون فی بیوتکم ان فی ذلک لایة لکم ان کنتم مؤمنین (آل عمران: ۴۹).

۲. انّه لکبیر کم الذی علمکم السحر ... (طه: ۷۱).

یاد کرده است، سیده‌الدین شهرستانی است. او ۲۸ وجه اعجاز و امتیاز برای قرآن نگاشته است که بعضی از آنها را می‌توان در یکدیگر درج نمود. با نظر به مقتضای زمان هشت وجه اعجاز را برای قرآن کریم می‌توان در نظر گرفت که کار بیشتری درباره آنها صورت گرفته است و عناوین کلی آنها عبارت‌اند از: ۱- فصاحت و بلاغت در قرآن کریم؛ ۲- خبرهای غیبی قرآن مربوط به گذشته و آینده؛ ۳- قرآن و مسئله قانون‌گذاری؛ ۴- قرآن و ابواب فقه اسلامی؛ ۵- قاطعیت و مصونیت از اشتباه؛ ۶- اتقان و یکنواختی؛ ۷- کتابی عظیم از مردی درس ناخوانده؛ ۸- معجزات علمی قرآن (شهرستانی، ۱۳۶۹، ص ۵۲).

فصاحت و بلاغت در قرآن کریم یکی از معجزات مؤثر، گویا، زنده و برجسته است که خود زیرمجموعه‌های فراوانی دارد و یکی از آنها قرائت قرآن کریم است. درباره شاخه‌های فصاحت و بلاغت، عناوین زیر تا کنون عرضه شده است: اعجاز بیانی؛ اعجاز معانی؛ آفرینش‌های هنری؛ اعجاز عددی قرآن و...^۱

فصاحت، زیبایی و شیوایی کلمات و جملات است که در علم بیان از آن گفت‌وگو می‌شود. بلاغت، متناسب‌بودن سخن با مورد آن است که در علم معانی از آن بحث می‌شود (هاشمی ۱۳۵۸، ص ۴).

این باب از معجزه الهی یعنی فصاحت و بلاغت از شگفتی‌های این است که می‌توان آن را قرائت کرد و با الحان خاص خود تلاوت نمود.

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اعجاز بیانی قرآن نظم آهنگ و موسیقی آن است. از آنجا که موسیقی و صوت زیبا تأثیر شگفتی در تحول و دگرگونی روح انسان دارد، خداوند سبحان، آیات کتاب خود را با موسیقی خارق‌العاده و اعجاز‌آمیزی در هم تنیده است. آهنگ کلمات و موسیقی ترکیب‌ات قرآنی، آن‌چنان هماهنگ و متناسب با معانی و مقاصد آیات است و آن‌چنان فضایی از قداست و طهارت و شور و حرارت و جذابیت در روح آدمی می‌آفریند که بی‌اختیار، روح در قبضه قرآن قرار می‌گیرد و مستانه به سیر و سلوک در فضای ملکوتی آیات می‌پردازد. نظم آهنگ واژگان قرآن، دارای نغمه‌ای دلکش و نوایی دلپذیر است که احساسات آدمی را برانگیخته، دل‌ها را شایسته خود می‌کند (حسینی میرصفی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰).

۱. برای اطلاع بیشتر، ر. ک: قدیسه‌سادات هاشمی، «ابعاد اعجاز قرآن»، مجموعه مقالات؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ۱۳۹۰.

تلاوت قرآن کریم از ابتدای نزول وحی تا به امروز ادامه دارد و خود علمی گسترده است، فنون پیچیده علمی و هنری خاص خود را دارد و همواره تمامی مسلمانان یا خود قاریانی برای کلام الهی بوده‌اند یا مستمعانی شنوا و علاقه‌مند که به این مقوله توجه خاص و احترام ویژه‌ای می‌گذاشتند.

قاریان قرآن کریم برای رسیدن به مراحل بالای تلاوت، مراحل ابتدایی را با جدیت و به معنای دقیق کلمه کامل و هنرمندانه پشت سر می‌گذارند و هرگز از کار دست نمی‌کشند و روبه تکامل می‌روند. روان‌خوانی،^۱ تجوید،^۲ حفظ،^۳ اختلاف قرائت،^۴ صوت،^۵ لحن،^۶ وقف^۷ و ابتدا^۸ که برخی از آنها تقدم دارد و برخی در کنار هم ادامه پیدا می‌کنند. مسئله سبک تلاوت هم آخرین مرحله و محصول کامل قرائت قرآن کریم می‌باشد.^۹ تعالی قاری همراه داشتن همگی این موارد است. آشنایی اجمالی این عناوین حلاوت تلاوت و تعمق بخشیدن آن را در شنونده بیشتر و در پاره‌ای عناوین همانند اختلاف قرائت سؤالات و شبهات احتمالی را برطرف خواهد کرد. ضمن تأکید بر اهمیت تمام عناوین ذکر شده مراحل قرائت قراء، در اینجا فقط بیانی مختصر و گذرا بر مقوله اختلاف قرائت مد نظر خواهد بود.

اختلاف قرائت

«علم قرائت قرآن از کهن‌ترین علوم اسلامی است و پیدایش آن در زمان رسول اکرم ﷺ و همراه با نزول قرآن بوده و چگونگی آن از مبدأ وحی، به وسیله جبرئیل امین بر ایشان نازل شده است. در واقع پایه‌گذار هنر قرائت قرآن حضرت محمد ﷺ است؛ زیرا ایشان به زیباخواندن و استفاده از

۱. تسلط کامل و روان بر جای جای قرآن کریم همانند سوره حمد بدون اشکال اعرابی.
۲. مجموعه قواعد فصیح خواندن و ضوابط کامل حروف و کلمات و دیگر مباحث آواشناسی قرآن است.
۳. منظور حفظ کل قرآن کریم است.
۴. شرح آن می‌آید.
۵. نوع صدا به همراه طنین، مساحت، حجم، بم و زیر صدا و...
۶. منظور لهجه عربی و لحن صدا و دستگاه‌های قرآنی که بر محوریت آن صوت تنظیم گشته و تلاوت انجام می‌گیرد.
۷. توقف در بین یا انتهای آیات به نحوی که کامل‌ترین معنا حاصل گردد.
۸. شروع به تلاوت به نحوی که کامل‌ترین معنا حاصل گردد.
۹. اینکه قاری قرآن در مجموع برای خود سبکی منحصر به فرد از لحاظ لحن و موسیقی قرآنی و صوت خود داشته باشد و توأم همه قوانین مرتبط با قرائت را در حد کمال لحاظ نماید.

صوت و لحن زیبا در قرائت قرآن امر فرموده‌اند (ولایتی، ۱۳۸۳، ص ۲۶). در ابتدا افراد خود قرآن را حفظ نموده و از آن استفاده می‌کردند. پیامبر اکرم ﷺ بعد از اینکه بر ایشان وحی نازل می‌گشت، برای اصحاب تلاوت می‌کردند و آنها خود با تمام دقت آن را حفظ می‌نمودند و در زمان‌های مناسب برای ایشان می‌خواندند تا به صحت آن اطمینان پیدا کنند. حفاظ قرآن مهم‌ترین عامل نشر قرآن بوده‌اند و در امر آموزش مرجع^۱ دوم مسلمانان به حساب می‌آمدند. با گذشت زمان و هجرت پیامبر اکرم ﷺ جمعیت زیادی بر این امر همت کردند و حتی طبق دستور صریح قرآن از شرکت در جنگ و جهاد معذور شدند. گروهی از آنان در واقعه بئر معونه (نام چاهی در نجد) غافلگیر شده، چهل و به روایتی هفتاد تن از آنها شهید شدند (حجتی، ۱۳۶۶، ص ۲۴۶). بنابراین بعد از شخص رسول اکرم ﷺ قاریان قرآن مرجع مستندی برای رجوع مسلمانان برای یادگیری، ارجاع، پرسش و... قرآنی محسوب می‌شدند.

علاوه بر آن، صحابه پیغمبر اکرم ﷺ همواره به تمرین و ممارست در قرائت و حفظ کردن قرآن مشغول بودند و کوشش می‌کردند آیات قرآنی را به خاطر بسپارند (همان، ص ۲۴۰). در این میان نقش امام علی علیه السلام در حفظ و نگهداری قرآن کریم و همچنین حافظه اعراب در نگهداری و حفظ تمامی و یا قسمتی از قرآن کریم غیر قابل انکار است.^۲ نکته دیگر اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله به افرادی که سواد داشتند، فرموده بودند که هر کدام به نحوی آیات قرآن را روی چوبه‌های صاف شده درخت خرما، قطعات سنگ و... بنویسند. این قطعات را صُحف می‌نامیدند و یک نسخه از تمام صحیفه‌ها در خانه نبی اکرم ﷺ نگهداری می‌شد (زنجان، ۱۳۸۸، ص ۲۲). بعد از وفات رسول اکرم ﷺ در زمان خلافت ابوبکر در سال دوازدهم هجری بین مسلمانان و پیروان مسیلمه کذاب در یمنه جنگی صورت گرفت که از بین هزار شهید آن جنگ، هفتاد نفر از قراء قرآن بودند. با نظر به اینکه اهمیت قاریان بسیار بود و خطر ازدست دادن آنها بسیار جبران‌ناپذیر می‌نمود، خلیفه دستور داد قرآن را جمع‌آوری کرده، در یک مصحف قرار دهند. این کار بزرگ و سنگین با تصدی زید بن ثابت و همراهی جمعی دیگر از قراء آغاز و بدون مخالف امام علی علیه السلام به پایان رسید (برای اطلاع بیشتر، ر.ک: زنجان، ۱۳۸۸ق، فصل اول و دوم/رامیار، ۱۳۶۹، ص ۸۰/زرکشی، ۱۹۵۷م، ج ۱، ص ۲۳۶) و ایشان این کار را تأیید فرمودند.

۱. اولین مرجع، رسول گرامی صلی الله علیه و آله اسلام می‌باشند.

۲. برای اطلاع بیشتر به مقدمه دوم از مقدمات دوازده‌گانه تفسیر صافی مراجعه شود.

نسخه تهیه شده قرآن پس از درگذشت ابوبکر نزد عمر بود و پس از وفات وی در جعبه مخصوصی نزد حفصه دختر عمر نگهداری می شد. با گسترش اسلام در زمان خلیفه دوم نیاز مسلمانان به فراگیری قرآن بیشتر گردید و دیگر اینکه به علت نبود نقطه گذاری و اعراب در قرآن و وجود لهجه های مختلف عربی، ملل تازه مسلمان شده دچار اشکال گردیدند و اختلاف مسلمانان در قرائت قرآن شدت گرفت.

این موضوع ادامه داشت تا زمان خلافت عثمان «به اطلاع خلیفه رساندند که بر اثر مساهله و مسامحه ای که مردم در استتاج و قرائت قرآن کرده اند، اختلافاتی به وجود آمده و از این راه کتاب خدا را با تحریف و تغییر به شدت تهدید می شود» (طباطبایی، ۱۳۵۳، ص ۱۹۲). این اختلاف در زمان ابوبکر و عمر نیز جلب نظر می کرد؛ ولی در زمان عثمان قرائت قرآن چنان دستخوش پریشانی گشت که حتی در خود مدینه، معلمان قرآن، شاگردان را با گونه های مختلفی از قرائات تعلیم می دادند و جوانانی که قرائت را از استاد خود اخذ می کردند، با هم به ستیز می پرداختند. این ستیز و درگیری ها به معلمان قرآن نیز سرایت کرد و تا جایی پیش رفت که استادان قرائت نیز همدیگر را به خاطر طرز قرائتی که بدان ها پایبند بودند، تکفیر می نمودند (حجتی، ۱۳۶۶، ص ۴۳۸).

این روند در دور و نزدیک به خصوص در نقاط دوردست خلافت رو به گسترش بود. با توجه به حساسیت موضوع عثمان فرمان داد از روی نسخه حفصه مصحف های دیگر و حافظه افراد و نوشته های قرآنی دیگران و همچنین نظارت امام علی علیه السلام قرآنی نگارش شود. بدین ترتیب نسخه های قبل جمع آوری شد و یک نسخه که مردم در قرائات آن دارای همبستگی و اتفاق نظر باشند، تهیه و تعدادی از روی آن نسخه برداری گشت و به مناطق مهم اسلامی فرستاده شد و یک نسخه از آن هم نزد خلیفه نگهداری می شد (همان، ص ۴۳۹ - ۴۴۴).

این مصاحف همگی دارای ۱۱۴ سوره، اما عاری از هر گونه علایم املائی اعم از اعراب و نقطه گذاری و علایم نشان دهنده، قرائت قرآنی نگارش یافته بودند تا بتوانند نسبت به قرائات مختلف انعطاف پذیر و معتبر باشند (حجتی، ۱۳۶۶، ص ۴۵۳)؛ منتهی ترتیب قرارگرفتن آیات در سوره ها توقیفی و به دستور رسول خدا بوده است (زرکشی، ۱۹۵۷م، ص ۲۳۷)؛ ولی طرز قرارگرفتن سوره ها به ترتیبی که در حال حاضر در قرآن هاست، به اجتهاد صحابه و صاحبان مصاحف بوده است (زنجانی، ۱۳۸۸، ص ۴۷).

لازم است ذکر گردد در ابتدا اعراب با نظر به تمام نواقصی که در نگارش قرآن وجود داشت،

کمتر دچار مشکل می‌شدند؛ ولی اختلافات لهجه‌ای، مترادفات و... وجود داشت و همان طور که گفته شد، معلمان قرآن هم از زمان قبل از عثمان نظرات متفاوتی در آموزش خود داشتند؛ ولی باید گفت این موضوع بعد از عثمان هم حتی با نگارش مصحف واحد وجود داشت و حتی بیشترین اشکالات و اشتباهات در حوزه مسلمانان غیر عرب رخ می‌داد و آنها اعراب و حرکات (لحن) را اشتباه می‌خواندند و حروف را هم به جای یکدیگر تلفظ می‌کردند (تصحیف).

بدین جهت اعراب‌گذاری و نقطه‌گذاری قرآن ضروری به نظر می‌رسید. در سال ۶۵ - ۸۶ قمری عبدالملک مروان از والی خود خواست چاره‌ای اندیشیده شود و بنا بر این شد که ابوالاسود دثلی (متوفای ۹۹ق) به همراه نویسندگانی به اعراب‌گذاری قرآن پردازند؛ ولی چون کار نقطه‌گذاری انجام نشده بود، همچنان در حروف متشابه اختلاف وجود داشت تا اینکه دو تن از شاگردان دثلی به نام‌های نصر بن عاصم لثی (متوفای ۷۹ق) و یحیی بن یعمر (متوفای ۱۲۹ق) کار استاد خود را تمام کرده، به اعجاز قرآن یعنی نقطه‌گذاری قرآن پرداختند (برای اطلاع بیشتر، ر.ک: حجتی، ۱۳۶۶، ص ۶۳ - ۸۴) و در پایان ابو حنیفه بجمسانی (متوفای ۲۵۰ق) تشدید را بر آن افزود.

در این راستا به غیر از قاریان طبقه اول همانند امام علیؑ، ابن مسعود، زید بن ثابت و... عده زیادی از مسلمانان پس از یادگیری خواندن قرآن، به بسط و توسعه قرآن می‌پرداختند و قاریان متخصص می‌شدند. منتها با همه تمهیداتی که برای یکسان‌سازی قرائت قرآن صورت گرفته بود، اختلاف در نوع تلاوت همچنان باقی مانده بود.

باید دانست که قرآن فقط به یک صورت و طریق از جانب حضرت باری تعالی نازل گردیده است و مردمان موظف‌اند به همان طریق قرائت و احکام الهی را از آن استنباط کنند و چنان‌که در کافی از حضرت امام صادقؑ روایت شده، قرآن یکی است و از جانب خدای یکتا نازل گشته است، ولیکن اختلاف قرائت از جانب راویان است (پورفرزب، ۱۳۶۸، ص ۱۴).

از آغاز سبب اصلی اختلاف درباره قرائت قرآن، نداشتن نقطه، حرکت، علایم، تشدید و جزم بوده و از جانب راویان و سلسه قاریان ناشی شده است؛ زیرا روایت صحابه از پیغمبر اکرمؐ درباره بعضی الفاظ قرآن و کیفیات حرکات حروف و ادای آنها به طرق مختلف صورت گرفته و این اختلافات به وسیله قراء نقل شده و امتداد یافته است و در حین فتوحات مسلمانان در هر یک از بلاد و مراکز اسلامی قرائت خاصی را به پیروی یکی از قراء که مورد اعتماد بود و شهرت داشت،

قبول کردند و در نتیجه پنجاه قرائت که مشهورترین آنها هفت قرائت است، پیدا شد (همان). درباره استناد افراد به حدیث «انزل القرآن علی سبعة احرف» از جانب پیامبر اکرم ﷺ باید گفت «هیچ یک از علمای فن، ارتباطی بین حدیث فوق با قرائت‌های هفت‌گانه قایل نیستند. جز اینکه این موضوع بر زبان مردم عادی جاری است و هیچ دلیل قابل اعتمادی در این مورد وجود ندارد. بسیاری از دانشمندان محقق مانند ابن‌الجزری، ابوشامه، زرکشی، ابومحمد مکی و ابن تیمیه این شایعه را رد کرده‌اند» (معرفت، ۱۳۹۷ق، ص ۸۶). در این باره گلدزیهر (Goldziher) اسلام‌شناس مجارستانی می‌گوید: «سبعة احرف به معنای صحیح آن که علمای اسلامی هم بر معنای واقعی و روشنی از آن آگاه نشده‌اند، در اساس ربطی به اختلاف قرائات ندارد» (گلدزیهر، ۱۴۱۳ق، ص ۵۳).

توجه به این نکته که کلمه «احرف» متفاوت از کلمه قرائات می‌باشد، بسیار ظریف است. ضعیف‌ترین اقوال این است که مراد از «سبعة احرف» در این حدیث قرائت‌های مختلف است؛ به‌ویژه اگر گوینده چنین سخنی وقتی کلمه قرائات را به کار می‌برد، منظورش قرائت‌های هفت‌گانه اصطلاحی است (صبحی صالح، ۱۳۷۹، ص ۱۰۳)؛ ولی نتیجه قابل قبولی را که می‌توان از حدیث «سبعة احرف» گرفت، جواز اختلاف لهجه‌هاست؛ به طوری که می‌توان گفت: «همانا اختلاف لهجه‌ها عمده‌ترین معنایی است که می‌توان در حدیث «سبعة احرف» اگر سندش صحیح باشد، لحاظ کرد و مفهوم حدیث این است که پیامبر ﷺ به امتش اجازه داد که قرآن را آن طور که توانایی آن را دارند و بر اساس لهجه‌هایشان قرائت کنند» (معرفت، ۱۴۱۱ق، ص ۳۰۹۶).

قراء سبعة و عشرة

طی قرن دوم هجری هفت نفر از قراء به قراء سبعة مشهورند و تا قرن سوم هجری سه نفر دیگر به آنها اضافه شدند که به قراء عشرة مشهورند. مرجع رجوع همه برای قرائت به یکی از آنها بود که هر کدام از آنها دو راوی معتبر نیز داشته‌اند. دلایل زیر برای انتخاب آنها ذکر شده است که پذیرش عام داشته‌اند و مورد قبول همگان قرار گرفته‌اند؛ ۱- روش آنان ساده‌تر و آسان‌تر از دیگران بود. ۲- راویان قرائتشان فراوان‌تر بوده است. ۳- تجربه‌شان همراه با سال‌خوردگی آنان بیشتر بوده است (برای اطلاع بیشتر، ر.ک: رافعی، ۱۳۶۴ق، ص ۶۰/حجتی، ۱۳۶۶، ص ۳۰۹-۳۵۸).

اسامی قراء سبعة و دو تن از راویان آنها به شرح زیر می‌باشد:

- ۱ - نافع: نافع بن ابی نَعیم مدنی (متوفای ۱۶۹ق)
 الف) قالون (متوفای ۲۰۵ق)
 ب) ورش (متوفای ۱۹۷ق)
 ۲ - ابن کثیر: عبدالله بن کثیر مکی (متوفای ۱۲۰ق)
 الف) بزی (متوفای ۲۵۰ق)
 ب) قنبل (متوفای ۲۹۱ق)
 ۳ - عاصم: عاصم بن ابی النجود کوفی (متوفای ۱۲۸ق)
 الف) حفص (متوفای ۱۸۰ق)
 ب) شعبه (متوفای ۱۹۳ق)
 ۴ - حمزه: حمزه بن حبیب زیات کوفی (متوفای ۱۵۶ق)
 الف) خلف (متوفای ۲۲۹ق)
 ب) خلاد (متوفای ۲۲۰ق)
 ۵ - کسائی: ابوالحسن کسائی کوفی (متوفای ۱۸۹ق)
 الف) دوری (متوفای ۲۴۶ق)
 ب) ابوالحارث (متوفای ۲۴۰ق)
 ۶ - ابوعمرو: ابوعمرو بن علاء بصری (متوفای ۱۵۴ق)
 الف) دوری (متوفای ۲۴۶ق)
 ب) سوسی (متوفای ۲۶۱ق)
 ۷ - ابن عامر: ابن عامر دمشقی (متوفای ۱۱۸ق)
 الف) هشام (متوفای ۲۴۵ق)
 ب) ابن ذکوان (متوفای ۲۴۲ق)

و قراء عشر و دو تن از راویان آنها به شرح زیر است:

- ۸ - خلف: خلف بن هشام بن طالب (متوفای ۲۲۹ق)
 الف) اسحق (متوفای ۲۸۶ق)
 ب) ادريس (متوفای ۲۹۲ق)

| | |
|------------------------------------|---------------|
| ۹- یعقوب: یعقوب بن اسحاق | (متوفای ۲۰۵ق) |
| الف) رويس | (متوفای ۳۳۸ق) |
| ب) روح | (متوفای ۲۳۵ق) |
| ۱۰- ابوجعفر: ابوجعفر یزید بن قعقاع | (متوفای ۱۳۰ق) |
| الف) عیسی | (متوفای ۱۶۰ق) |
| ب) ابن جماز | (متوفای ۱۵۰ق) |

لازم است گفته شود تمامی قاریان عشر در قرن دوم و سوم می‌زیسته‌اند و همگی دارای راویانی بسیار بوده‌اند که دو تن از آنها که فضایلشان بیشتر از سایرین بوده و در تمام جهات برتری داشته‌اند، انتخاب شده‌اند.

۴۵

قرآن‌پژوهی

تلاوت قرآن کریم و اختلاف قرائت

موارد اختلاف قرائت

مسئلاً تمامی موارد این اختلافات پس از نزول وحی صورت گرفته است. مقداری از آنها از طرز نگارش قرآن پدیده آمده است؛ زیرا این نوشتارها فاقد علائم و نقطه بوده‌اند. قسمتی دیگر از اختلافات مربوط به استعمال لغات و کلماتی است که گاهی با کلمه دیگر از نظر شکل و اعراب فرق می‌کند ولی دارای یک معناست. اختلافات دیگر مربوط به اظهار،^۱ ادغام،^۲ اشمام،^۳ تفخیم،^۴ ترقیق،^۵ مد و قصر، اماله،^۶ فتح،^۷ تقلیل، تحقیق، تسهیل، ابدال^۸ و... است که اینها هیچ تغییری در معنا ایجاد نمی‌کنند. مهم‌ترین بخش اختلاف نظرها بر سر مفردات و کلمات قرآن است که گاهی کلمات مترادف، گاهی کلمه با اعراب متفاوت و گاهی فعل در صیغه یا باب دیگر به کار رفته است که گاهی در تفسیر آنها هم تفاوت ایجاد می‌کند. نکته دیگر وجود لهجه‌های گوناگون در اعراب است که قرآن را با لهجه خود خوانده و منشأ اختلاف بسیاری از قرائت و تجویز آنها گردیده‌اند

۱. در اصطلاح علم تجوید عبارت است از اخراج هر حرفی از مخرجش، بدون رعایت غنه (بدون اخفا).

۲. در اصطلاح تجوید از کیفیات وقف است. این وقف همان وقف اسکان است.

۳. عبارت است از تلفظ درشت و محکم حرف.

۴. نازک و رقیق کردن حروف.

۵. خارج کردن حرف از حالت فتح به سوی کسره و «یاء» را می‌گویند.

۶. به معنای بدل کردن نای تانیث به «هاء» و کلمات منصوب به الف است.

(حجتی، ۱۳۶۶، ص ۳۰۱ - ۲۰۴)؛ همچنین اجتهاد قراء در ابتدا عامل مهم دیگری است که باعث پدید آمدن اختلافات است. ابن ابی هاشم گوید:

علت اختلاف قرائات سبع و قرائات دیگر این است: جهات و مناطقی که مصاحف عثمان بدان سوها گسیل شد، عده‌ای از صحابه در آنجا مقیم بودند و مردم آن مناطق از این صحابه در قرائت قرآن پیروی می‌کردند. این مصاحف نیز از هر گونه مشخصات املائی از قبیل نقطه و اعراب عاری بوده‌اند؛ لذا مردم هر ناحیه‌ای، قرائت قرآن را به همان صورتی که از صحابه شنیده بودند، ثبت و ضبط می‌کردند؛ البته به شرط آنکه قرائت مذکور با رسم الخط مصحف موافق بود و در غیر این صورت یعنی در صورت مخالفت قرائت با رسم الخط مصحف آن را رها می‌کردند و از همین جا اختلاف میان قراء در نواحی و نقاط مختلف پدید آمد (همان، ص ۳۷۳).

ذکر دو نکته در اینجا به صورت اجمال و تذکر ضروری است. در پاسخ به شبهاتی که اختلاف قرائات را به گونه‌های دیگری تعبیر کرده‌اند، باید گفت این اختلاف‌ها همان گونه که پیش از این ذکر شد، بعد از نزول قرآن و به دست مسلمانان صدر اسلام شکل گرفته‌اند؛ ولی به این اندازه هم نمی‌توان بر مسلمانان آن دوره مهر تحریف و خیانت زد. تحریف‌گر کار خود را از روی عمد و علم و آگاهی و با اراده انجام می‌دهد و به تغییر متون قرآن دست می‌زند و اگر خیانت هم صورت گیرد، باید به دنبال پنهان ساختن حقیقت قرآن و تغییر متن آن باشد و آموزه‌ها و مطالب خود را جایگزین گفتار صحیح کند؛ اما از اسناد معتبر تاریخ قرآن این امر بدیهی را می‌دانیم که هیچ کدام از این دو صورت نگرفته و این قابلیت قرآن را که در تمام اختلافات خدشه‌ای به آن از نظر مفهوم و تفسیر و متن وارد نشده است، از شگفتی‌های قرآن می‌دانیم.

نظر علمای اسلام درباره اختلاف قرائت

تمامی دانشمندان شیعه و اهل سنت اختلاف قرائات را تأیید کرده‌اند. درباره جواز قرائت بر روش یکی از قاریان و راویان آنها (قراء سبعه) ادعای اجماع صورت گرفته است و از نظر علمای شیعه قرائت قرآن، چه در نماز و چه در غیر آن طبق هر یک از قرائات متعارف و معمول زمان اهل بیت پیامبر ﷺ روا و جایز است؛ چنان‌که هم اکنون نیز همان قرائات قراء معروف مورد عمل می‌باشد و باید متذکر شویم که قرائات قراء عشره اولویت منحصر به فردی در این حکم دارند و

از معصومان علیهم‌السلام مطلبی نقل نشده که پیروان خود را از خواندن این قرائات معروف نهی کرده باشند و دانشمندان اهل سنت تواتر^۱ در قرائت را از لحاظ تواتر اسناد در قرائات ده‌گانه (عشر) کامل‌تر از همه می‌دانند و با سه شرط هماهنگی و موافقت با یکی از مصاحف عثمانی و موافقت با قواعد و دستور زبان عربی و در آخر اینکه صحت اسناد قرائات به قراء مشهور باشد، پذیرفته‌اند (همان، ص ۳۷۴-۳۷۶).

نتیجه‌گیری

از هنرهای تأثیرگذار و شاخص جامعه اسلامی هنر تلاوت قرآن کریم است که از عبادات الهی محسوب گشته و امر بر انجام آن را از متن صریح قرآن استناد می‌کنیم. یکی از اعجاز قرآن کریم تلاوت آیات الهی به سبک و سیاق خود بوده که منحصر به فرد می‌باشد. تأثیرات درونی تلاوت به‌جز مواردی که برای هر فرد مؤمنی مشخص و ویژه بوده، بسیاری هنوز بر ما ناشناخته مانده است. برخی از آنها داروی شفابخش همه است؛ از جمله ایجاد تفکر و تأمل صحیح، جهت‌یاری و یادکردن فکر انسان، ورود انرژی‌های پاک به انسان، جلوگیری از گناه و ترویج آن، ارتباط معنوی با خدای متعال و... ولی تأثیرات بیرونی تلاوت علاوه بر تبلیغ دین و تثبیت موقعیت آن و پرچم و نماد دینی که ممتاز است، به عنوان سفرای اسلام اثرگذارند و بدین وسیله در عرصه‌های جهانی برای جذب، اتصال، تکثیر و نشر کلام الهی وارد عمل می‌شوند.

بجاست مسلمانان در اقصی نقاط جهان با این رویکرد آشنا شوند و قابلیت‌های تلاوت قرآن کریم را بشناسند و پاس بدارند. از جمله مسائل مهم در قرائت وجود اختلاف قرائت است که لازم است برای حفظ وحدت و یکپارچگی امت اسلامی ریشه تاریخی و علمی آن را بشناسیم و طبق فتوای علمای دینی در قوام و اعتبار آنها صحه بگذاریم، شبهه وارد نکنیم و آن را محترم بشماریم. علاوه بر این با آشنایی اجمالی علوم قرائت لذت استماع تلاوت را بر خود بیشتر گردانیم. همچنین برای نفوذ و ورود به سایر گروه‌های اسلامی در بلاد مختلف، همانند کشور مصر که کرسی تلاوت قرآن را با سابقه‌ای هزارساله دارا می‌باشند، ما نیز بر امر آموزش و توسعه آن در بین قاریان و گروه‌های تأثیرگذار دینی تلاش کنیم و آن را نهادینه سازیم تا بدین وسیله نفوذ معنوی بیشتری به

۱. تواتر در قرائت یعنی اینکه جمعی از جمع دیگر آن را روایات کرده و سند آن به قاری اول برسد.

سایر ملل و اقوام بنماییم. باید بدانیم که اختلاف بعضی از تفاسیر قرآن کریم هم به این موضوع بر می‌گردد و در بلاد اسلامی روایت‌های گوناگونی از قرآن تلاوت می‌گردد و می‌توانیم با قرائت مورد نظر خود آنها به آنها نزدیک و نفوذ معنوی اسلام را گسترش دهیم؛ گرچه قرائت قرآن در کشور ما روایت حفص از عاصم می‌باشد. این فرموده خدای سبحان در قرآن کریم را همیشه در نظر داشته باشیم که: «انا نحن نزلنا الذكر و انا له لحافظون» (حجر: ۹).

این آیه شریفه جاودانگی قرآن و سلامت آن را از هر گونه حادثه و دستبرد در همه عصرها و نسل‌ها تضمین کرده و این یک ضمانت و پیمان الهی است که هرگز خلاف آن رخ نخواهد داد؛ زیرا وعده خداوند صادق و تخلف‌ناپذیر است.

منابع و مأخذ

۱. ابن الجزری، محمد بن محمد؛ النشر فی القرائات العشر؛ ج ۱، قاهره: مکتبه القاهره، [بی تا].
۲. امام خمینی؛ وعده دیدار؛ ترجمه جعفر علی نجم؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ۱۳۸۸.
۳. پورفرزب، ابراهیم؛ تهذیب القراءة؛ تهران: انتشارات کعبه، ۱۳۶۸.
۴. حجتی، سید محمد باقر؛ تاریخ قرآن کریم؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۶.
۵. حسنی جعفری، فتانه؛ جلوه‌های هنری ادبی در قرآن کریم؛ تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ۱۳۹۰.
۶. حسینی میرصفی، مرجان السادات؛ مجموعه مقالات؛ تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، ۱۳۹۰.
۷. دشتی، محمد؛ الگوهای رفتاری امام علی علیه السلام؛ ج ۶، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۹.
۸. رافعی، مصطفی صادق؛ اعجاز القرآن؛ مصر: چاپ مطبعه مقنطف، ۱۳۶۴ ق.
۹. رامیار، محمود؛ تاریخ قرآن کریم؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹.
۱۰. زرکشی، محمد بن عبدالله؛ البرهان فی علوم القرآن؛ ج ۱، مصر، ۱۹۵۷ م.
۱۱. زنجانی، ابو عبدالله؛ تاریخ القرآن؛ بیروت، ۱۳۸۸ ق.
۱۲. سیوطی، جلال‌الدین؛ الاتقان؛ سید مهدی حائری؛ ج ۱، تهران: امیرکبیر، ۱۳۹۱.
۱۳. شهرستانی، سیده‌الهدیه‌الذین؛ «المعجزه الخالدة»؛ حدیث الشهر؛ ش ۸، ۱۳۶۹.
۱۴. صبحی صالح؛ مباحثی در علوم قرآن؛ محمد علی لسانی فشارکی؛ تهران: نشر احسان، ۱۳۷۹.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین؛ قرآن در اسلام؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳.
۱۶. —؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۹، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۷. —؛ سنن النبی؛ ترجمه سید محمد حسین سجادی؛ انتشارات نور ثامن، ۱۳۸۷.
۱۸. فیض کاشانی، محمد شاه مرتضی؛ مفاتیح الشرایع؛ ج ۱، تهران: انتشارات سنائی، ۱۳۸۶.

۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی؛ ج ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ق.
۲۰. گلدزیهر، ایگناس؛ مذاهب التفسیر الاسلامی؛ عبدالحلیم نجار؛ بیروت: دار اقرأ، ۱۴۱۳ق.
۲۱. مسلم بن حجاج نیشابوری؛ صحیح مسلم؛ بیروت: [بی تا].
۲۲. معرفت، محمد هادی؛ التمهید؛ ج ۲، قم: مهر، ۱۳۹۷ق.
۲۳. ---؛ تلخیص التمهید؛ ج ۱، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۱ق.
۲۴. ---؛ مصونیت قرآن از تحریف؛ محمد شهرابی؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
۲۵. موسوی بلده، سید محسن؛ حلیة القرآن؛ تهران: کتابخانه ملی، ۱۳۸۹.
۲۶. ولایتی، علی اکبر؛ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران؛ ج ۲، تهران: مرکز اسناد و خدمات پژوهشی، ۱۳۸۳.
۲۷. هاشمی، سید احمد؛ جواهر البلاغه؛ قم: حوزه علمیه قم، ۱۳۵۸.